

## گفتگوی اشتراک با جعفر پویه از مسئولین سایت جنگ خبر در رابطه با کمپین ۲ میلیون امضا بر علیه مجازات اعدام

[www.eshterak.info](http://www.eshterak.info)

چندی پیش کمپینی به نام کمپین دو میلیون امضا بر علیه مجازات اعدام اعلام موجودیت کرد. تاکنون تعدادی از سایتهای مختلف حمایت خود را از آن اعلام نموده اند که از جمله ی آنها سایت جنگ خبر می باشد. ما به این بهانه و به سبب اهمیت این موضوع خصوصا در شرایط حال حاضر ایران تصمیم گرفتیم تا گفتگویی با جعفر پویه یکی از مسئولین این سایت داشته باشیم.

### ۱. لطفا ابتدا خودتان را معرفی کنید .

با سلام به شما و تشکر از اینکه وقت خود را به موضوع تازه و در حقیقت کمتر بحث شده ای همچون مخالفت با مجازات ظالمانه و غیر انسانی اعدام اختصاص می دهید. من جعفر پویه عضو و فعال سازمان چریکهای فدایی خلق ایران هستم. از نوجوانی به صفوف جنبش فدایی پیوستم و تا کنون در راه آرمان آزادیخواهانه و انسانی خود یعنی سوسیالیسم در این سازمان به فعالیت مشغولم. سالهاست که در کشور هلند زندگی میکنم و همچون بسیاری دیگر از فعالان سیاسی تبعیدی برای آزادی و دموکراسی در ایران فعالیت می کنم. از اواخر سال ۹۸ ما سایت خبری جنگ خبر را راه اندازی کردیم و از آن موقع تا کنون روزانه بولتنی از خبرهای منتشر شده از منابع مختلف را دستچین کرده و در سایت خود بطور یکجا در اختیار کاربران خود قرار می دهیم. به دلیل سابقه طولانی جنگ خبر در اینکار اینگونه می شود گفت که این سایت در بین کاربران ایرانی شناخته شده است و همراهان خود را دارد. هرچند بعد از راه اندازی جنگ خبر و جلوه ای که آن داشت سایتهای دیگری با همین روش در شبکه جهانی راه اندازی شدند. اما اینرا به قطع و یقین می توانم بگویم که جنگ خبر قدیمی ترین سایت در این نوع در بین سایتهای مشابه ایرانی است. من بعنوان یکی از کاروران این سایت بخشی از خدماتی که روزانه در اختیار کاربران قرار می گیرد را بعهده دارم و با علاقه همچنان این مهم را دنبال می کنم.

### ۲. متوجه شدیم که سایت شما جز سایت های حامی کمپین ۲ میلیون امضا بر علیه اعدام می باشد. لطفا در این رابطه به ما توضیح دهید که دیدگاه و در واقع محرک شما در پیوستن به این کمپین چه بوده است؟

ما در گذشته نیز با موضوع اعدام مرزبندی داشتیم و هر از چندی نیز بنر و یا فایل های تصویری مختلفی را در مخالفت با مجازات اعدام در جنگ خبر منتشر می کردیم. حقیقت بر این است که مجازات اعدام به عنوان یکی از مجازاتهای ظالمانه و عملی که به قتل آگاهانه و از روی عمد یک فرد منجر می شود مورد تنفر هر انسان شرافتمند و مترقی قرن حاضر قرار دارد. این مجازات که حق حیات یعنی زندگی را از کسی سلب میکند، به گونه ای است که اگر اشتباهی در صدور حکم اتفاق افتد و یا خطایی در حین بررسی انجام گرفته باشد که تا کنون ثابت شده بسیار هم اتفاق می افتد، هرگز برگشت پذیر نیست. زیرا کسی که به این مجازات محکوم شده جاننش گرفته شده و امکان بازگشت از خطا برای همیشه از بین رفته است. از سوی دیگر حق حیات از حقوقی است که هیچ کسی و هیچ مرجعی حق سلب آنرا از فرد دیگری ندارد. بنابر این، این جامعه انسانی است که باید به سویی گرایش پیدا کند که چنین مجازاتهایی را که در کشورهای گوناگون تحت نامها و یا توجیحاتی دینی، مذهبی و یا قومی و قبیله ای انجام می گیرد را بکلی از قوانین مدنی خود حذف کند. برای رسیدن به چنین موقعیتی و حذف مجازات اعدام بعنوان قتلی آگاهانه از قوانین مدنی و جزایی نیاز است تا گفتگو درباره آن انجام گرفته ذهنیت کلیه افراد جامعه نسبت به چنین مجازاتی روشن شود. برای اینکار هم بدیهی است باید از لوازم ارتباط جمعی همچون رادیو، تلویزیون، روزنامه و نشریات عمومی استفاده کرد و زشتی و شناعت این مجازات را هرچه بیشتر در بین مردم توضیح داد. از آنجائیکه بیشتر دولتها خود را متولی قانون می پندارند و برای نشان دادن خود در بازدارندگی و کنترل جرم و جنایت از ابزاری همچون اعدام بعنوان وسیله ای برای برخ کشیدن قدرت خود استفاده می کنند، متاسفانه هرچه دولتها در بین توده های مردم یک کشور از مشروعیت کمتری برخوردار باشند، توسل

آنان به مجازات اعدام نیز بیشتر است. به زیان دیگر بکارگیری مجازات اعدام با درجه مشروعیت دولتها نیز نسبت مستقیم دارد.

از سوی دیگر بکارگیری اعدام بعنوان نوعی قانون قصاص یا خون در برابر خون که متعلق به جوامعی بسیار بدوی و عهد بادیه نشینی است، توجیهی مفتضح و مشمنز کننده است که توسط رژیمهایی همچون جمهوری اسلامی انجام می گیرد. آنها انتقام را جانشین عدالت کرده اند و صاحبان دماء یعنی صاحب خون که همان کسان مقتول می باشند را وادار به قتل شخصی دیگر می کنند و اینگونه گاه قتلی مذهبی و همگانی را در چهار راهها سامان می دهند و مردمی دیگر را در اینگونه خون ریزیها شریک میکنند. این یعنی از بین بردن قباحات مرگ و قتل و خون ریزی، این یعنی تشویق جامعه به خشونت و قتل، این یعنی دست یازیدن به قتل انسانی در مقابل چشمان هزاران انسان دیگر که بیشتر به مراسم قربانی انسانها در مراسم مذهبی مردم بدوی و غیر متمدن و بیابان گرد شبیه است.

این کاری است که رژیم جمهوری اسلامی در قرن بیست و یک در کشور ما ایران انجام می دهد و متأسفانه با انجام چنین اعمال شنیعی نه تنها آمار جرم و جنایت کم نشده و ترس و وحشتی که انتظار داشتند را نتوانسته اند بیافرینند، بلکه با ریختن قبح قتل و خونریزی آمار قتل و جنایت همچنان سیری صعودی داشته و امیدی نیز به کم شدن آن جود ندارد.

بنابراین ما فکر میکنیم برای بازداشتن جامعه از چنین روندی و زدودن پرواز مرگ و قتل و خونخواهی بر فراز قوانین جزایی و مدنی کشورمان نیازمند فرهنگ سازی هستیم. برای اینکار هم ابتدا نیاز داریم تا مخالفت با چنین مجازاتی را به یک گفتمان فراگیر تبدیل کنیم. و این ممکن نیست مگر روشنفکران و الیت جامعه آستین بالا کنند و وارد میدان شده قباحات این مجازات غیر انسانی را هرچه بیشتر عیان کنند. اگر ما بتوانیم گفتمانی فراگیر را در این رابطه دامن زنی و هرکس به هر مقدار که تواناست درباره زشتی و قباحات این مجازات وارد عمل شده و در دور و اطراف خود آنرا گسترش دهد. می توان امید داشت که در آینده ای نچندان دور موفق خواهیم شد که چنین مجازاتی را از قانون جزایی خود حذف کنیم و مجازات مرگ را برای همیشه به بایگانی بسپاریم.

بدیهی است این مخالفت راست و چپ، لیبرال و دموکرات، میانه و ... نمی شناسد. اساس چنین مخالفتی تنها انسانی و براساس احترام به حق حیات انسانها بنا شده است. بنابراین همه آحاد انسانها از هر طبقه و قشری تنها از زاویه انسانی و احترام به هم نوع خود و بر اساس قانون مدنی و حق برخورداری از جبران اشتباه و خطا با دیگران برخورد کنند و برای برچیدن چنین عمل غیر انسانی ای که به حق آنرا قتل آگاهانه نام نهاده اند دست بدست هم دهند.

ما در جنگ خیر بعنوان یک رسانه که اطلاع رسانی را وظیفه خود می دانیم بر خود واجب می دانیم تا در اینراه هر چه از دستمان بر می آید را انجام دهیم. جمع شدن ما با دیگر مدیران و مسنولین سایتهایی که در این موضوع باهم اشتراک داشتیم و توافق برای اقدام جمعی بر علیه مجازات اعدام، مشوق ما برای حضور در کمپین شد. ما نه تنها حضور در کمپین را بخشی از کار اجتماعی و مشترک و جمعی برای تبلیغ بر علیه مجازات اعدام تلقی می کنیم، بلکه با شرکت در این کمپین سعی خواهیم کرد تا دیگران را نیز تشویق به حضور در آن کرده و سعی در گفتمان سازی نمائیم و اقدامی بزرگ را سازمان دهیم که نفع آن به تمامی مردمی می رسد که تحت قوانین جزایی آن کشور مورد قضاوت و داوری در دادگاهها در صورت انجام بزهی قرار خواهند گرفت.

### ۳. در بالا به این موضوع اشاره کردید که جمهوری اسلامی با ریختن قبح قتل و خونریزی موجب افزایش آمار جرم و جنایت در جامعه شده است. لطفا این کارکرد مجازات اعدام را در جامعه برای ما روشن تر کنید و درباره نقش حکومت توضیح بیشتری دهید.

موضوع دخالت مذهب در امر قضاوت و برپایی دادگاههای شرعی به منزله یکی از کارکردهایی است که جمهوری اسلامی از آن برای منکوب کردن و همچنین برپایی چوبه های دار در ملاء عام استفاده میکند. اقدام به قتل یک نفر در مقابل چشم مردم و تکرار آن در زمانهای متفاوت باعث می شود تا موضوع قتل و آدمکشی به رویه ای عادی تبدیل گردد. اینکه قتل و مرگ یک انسان بعنوان جنایتی شنیع مورد تنفر عموم مردم قرار دارد یک طرف و حضور چوبه های دار بعنوان قتل قانونی و آگاهانه در مقابل دیدگان مردم در طرف دیگر کار کردی دوگانه دارد. ممکن است بعضی ها در این میان تا سرحد غیر قابل تصویری از اینگونه اعمال منزجر شوند و سعی کنند تا از تر شدن دامن خود به اینگونه عملکرد حکومت جلوگیری کنند. اما از

سوی دیگر هنگامیکه مرگ و قتل که باید بعنوان از بین بردن حق حیات یک انسان نهی شده و جامعه را از آن پرهیز دهند. در جلو دیگران آنها به وقوع می پیوندند. اینگونه مرگ و قتل امری عادی می گردد و قبح و زشتی ای که در بین جامعه باید داشته باشد را از بین می برد.

از سوی دیگر قانون قصاص که ترمی مذهبی است که بر اساس خون در برابر خون در جوامع بدوی اجرا می شد. این عمل وحشیانه تا آنجایی در حکومت مذهبی برکشیده می شود که قتل یک مجرم و یا کسی که عمدتاً یا سهون دچار قتل شده را حق خانواده مقتول قلمداد می کند و کشتن او را توسط خانواده طرف مقابل قانونی و شرعی می داند. اینگونه مردمی که باید از مرگ بری باشند و یا کرامت انسانی در نزد آنان دارای حرمت باشد تبدیل می شوند به قاتلانی که قانون از آنها حمایت میکند. این چرخه نکبت بار که هر روزه در ایران شاهد آن هستیم قربانیان بسیاری می گیرد و عملن رژیم جمهوری اسلامی خود را از بار اخلاقی چنین عمل زشتی بیرون می کشد و زشتی آنرا به گردن مردم می اندازد. یعنی قتل را حق کسانی می داند که صاحب دم هستند. این کار تبدیل کردن شهروندان به جنایتکاران و قاتلان قانونی است. آنان را به قاتلانی تبدیل میکند که گاه شاهدیم که خود طناب دار را به گردن فرد محکوم می اندازند. چگونه می شود با چنین عملی برخورد کرد؟ سنوالی بسیار سخت است. چگونه می شود به مردم فهماند که قصاص و یا کشتن فردی دیگر قتل است و آنکه این عمل را انجام می دهد خود تبدیل جانی می شود و جنایتکار است. در حالیکه قانون از او حمایت میکند و حکومت در پشت چنین اعمال زشتی خود را قایم کرده است. به این دلیل است که قتل و مرگ نه تنها زشتی و قبح خود را از دست می دهد بلکه تبدیل به حق می شود. از سوی دیگر برپایی چوبه های دار در چهار راهها باعث همگانی کردن اینگونه قتلها شده و جنایت و قتل را امری محال و یا زشت و شنیع نمی داند و پرده هر گونه شرم و حیایی را در نزد عموم می برد. و به امری عادی میدل می کند. به این دلیل است که نه تنها با اعمال اینگونه مجازاتها از آمار جرم و جنایت کم نمی شود بلکه به دلیل از بین رفتن زشتی و قبح آن تبدیل به امری عادی می گردد که آمارهای منتشره گواه صادقی بر این مدعا هستند.

#### ۴. چگونه است که این شیوه ی مجازات در ایران همچنان قربانی میگیرد در حالی که تعداد بسیاری از فعالان اجتماعی و سیاسی و همچنین نهاد های بین المللی فعال در زمینه حقوق بشر این موضوع را به صراحت ناقص حقوق انسان و مجازاتی غیر انسانی می دانند؟

حرف شما کاملن درست است، اما تنها مخالفت صرف کافی نیست. این مخالفت باید به داخل جامعه برده شده و مردم را با خود همراه کند. اعتراض نهادهای حقوق بشری و یا فعالان سیاسی و اجتماعی تنها در محدوده معنی برد و کار کرد دارد. در صورتی مخالفت با یک مجازات غیر انسانی باید همه نهادهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را در بر بگیرد.

وارد شدن نهادهای فرهنگی به چنین موضوعی یکی از وظایف آنهاست. در صورتی که تا کنون کمتر شنیده یا دیده شده است که آنها وارد به چنین موضوعی شده باشند و اعتراضی پر سر و صدا و یا شنیدنی ای را سازمان داده باشند. اگر مخالفت با اعدام نیاز به کار فرهنگی دارد، اگر نیازمند گفتن سازی است بنابراین اهل فرهنگ نیز باید وارد به موضوع شوند. محدود کردن اعتراضها به سازمانهای سیاسی و یا حقوق بشری و یا تنها مربوط به آنها دانستن موضوع به معنی شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت است. اگر همه ارکان جامعه و دست اندرکاران فرهنگی و اجتماعی و سیاسی دست بدست هم دهند و هر کدام بخشی از بار را بدوش بکشند و یا وظیفه خود را انجام دهند، آنوقت می شود گفت که صدای معترضین بلندتر شده و به گوش همگان می رسد. خلاصه شدن اعتراضات به بخشی از جامعه و وظیفه آنان دانستن این موضوع، باعث شده که صدای آنها کمتر بگوش برسد و پژواک کمتری داشته باشد. این درحالی است که موافقان اینگونه مجازاتهای غیر انسانی که در ایران دولت و همه ارکان مذهبی و دستگاههای وابسته به آنها از یک سو و قراردادهای اجتماعی و فرهنگ پوسیده انتقام و خونخواهی که نتیجه تسلط روابط قومی قبیله ای و روابط پیشا سرمایه داری است صدای بلند تری داشته است. آنها با در دست داشتن همه ابزارهای تبلیغی مثل رادیو، تلویزیون، روزنامه ها و از همه بدتر مساجد و منبرها افشار مذهبی را از زاویه اعتقادات آنها تحریک به سرسختی در مقابل برچیدن شدن آن کنند، اینها همه عوامل بازدارنده ای هستند در برابر مخالفان مجازات اعدام. بدیهی است با چنین گسترش امکاناتی که طرف مقابل دارد نه تنها صدای مخالفان به گوش مردم کمتر می رسد و در صورت رسیدن نیز با تبلیغات سرسام آور دستگاههای پر طمطراق طرف مقابل همان اندک شنیده ها نیز خنثی شده و در نیمه راه باز داشته می شود.

بنابراین کار مخالفت با مجازات اعدام هرچند تا کنون با سعی و تلاش آگاهان بسیار انجام گرفته است اما به دلیل گوناگونی که بخشی از آن را توضیح دادم این صدا ناکافی است. بنابراین برای بهتر شنیده شدن این صدا نیاز است که حداقل مخالفان اعدام در مجموعه ای گرد هم آمده برای بلندتر شدن صدای خودشان چاره جویی و رای زنی کنند تا از همان داشته های خود حداکثر استفاده را ببرند.

در صورت موفق شدن به ساختن یک گفتمان همگانی و دامن زدن به بحث مخالفت با اعدام، بدیهی است که صاحب نظران و کسانی که علاقه مند هستند تا تلاشهایی را در این راه انجام دهند وارد عمل شده و صدای مخالفان مجازات اعدام را رساتر کنند. چگونگی آن نیز موضوعی است که در عمل قابل بحث است. این چیزی نیست که بتوان برای آن پروژه ای قابل اجرا از قبل نوشت و عوامل وارد به آن را با حساب و کتاب و توانایی انجام کار محاسبه کرد. بلکه این موضوع بر می گردد به توان و قدرت عملی هر فرد در نوع ابراز مخالفت اش با این مجازات غیر انسانی و حمایت این صداها از سوی دیگر همراهان تا پژواک آنرا به حداکثر برسانند. به زبان دیگر همچون هر کار اجتماعی دیگری این مخالفت نیز نیازمند عوامل خود است که در جامعه به صورت بالفعل وجود دارد که باید سعی کرد آنان را بالقوه کرد. یعنی از حالت بی تفاوتی و یا ساکن خارج شده و وارد عمل شوند. در چنین صورتی می توان امیدوار بود که صدای مخالفان نه تنها بیشتر شنیده خواهد شد بلکه خواهد توانست در آینده وارد عمل شده و خود را به هدف خویش که همان برچیدن مجازات اعدام است هرچه بیشتر نزدیک کند.

#### ۵. با توجه به اینکه در بالا هم به موضوع اعتقادات مذهبی اشاره کردید ، می خواستیم بدانیم که از نظر شما مذهب در جامعه ایران به چه صورت توانسته است تاثیر بر روند قضاوت در جامعه بگذارد. حال قضاوتی که در ذهنیت مردم صورت می پذیرد و یا قضاوت قضات دادگاه ها؟

ببینید مذهب به عنوان یک امر خصوصی یک موضوع است و مذهب به عنوان ایدئولوژی حکومت امری دیگر. حضور مذهب در فراز حکومت و میدل شدن آن به ایدئولوژی حکومت به معنای ساری و جاری کردن قوانین شرعی در رگ و پی جامعه است. حکومت به خودی خود یک مقوله تجریدی نیست. حکومت بعنوان برترین قدرت و بالاترین مرجع حکمرانی که همه ابزارهای آن را نیز در دست دارد، خود را بر زندگی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جامعه اعمال می کند. شکل گیری دیوان عدالت شرعی بر اساس قوانین شرع آن چیزی است که ما بعنوان یک اهرم بسیار خطرناک و وحشت آفرین از آن یاد میکنیم. این دادگاهها که براساس قوانین شرعی برپا شده اند، قوانین مدنی که حاصل تلاش تا کنونی بشریت است را به هیچ می گیرد و با توسل به فتواها و نظریات فقهی تعدادی آخوند تبدیل به محکمه ای می شود که بیش از آنکه عدالت سرلوحه آن باشد جزا دادن و قصاص کردن و حد زدن را مد نظر می گیرد. در چنین دادگاههایی هر کس که محاکمه می شود، قانون شکن یا مجرم به معنای رایج در جوامع مدرن نیست. بلکه آنها گناهکارانی هستند که بنا به تشخیص قاضی شرع باید مجازات شوند. به همین دلیل قاضی شرع گاه حکم به قطع کردن دست یا پا می دهد. گاه حکم کور کردن کسی را صادر میکند. از بلندی پرت کردن و در نهایت قصاص که همان مجازات اعدام که بر عهده اولیای دم گذاشته می شود را صادر می کند. مجازات سنگسار به حدی نشیب و تهوع آور است که خود یک جایگاه ویژه برای بحث و بررسی می طلبد. اینکه حاکم شرع در دادگاههای شرعی بر اساس علم خود یعنی اشراف به موضوع و از ضمیر خود با توجه به در نظر گرفتن احکام مذهبی دست به انشا حکم می زند چیزی است که مورد اعتراض مردم در این بیش از سی و اندی سال فرار گرفته است. نقش وکیل در چنین دادگاههایی صوری است و عملن وکلا دستشان در چنین محاکمی بسته است و نمی توانند کاری انجام دهند. زیرا آنان بر اساس قوانین مدنی و اصول به رسمیت شناخته شده در جوامع مدرن از موکل خود دفاع میکنند. در حالی دادگاه شرع چنین حقی را برای مجرم به رسمیت نمی شناسد و بسیار اتفاق افتاده و یا شاهد بوده ایم که اجازه حضور وکیل در جلسه محاکمه داده نمی شود. این کار کرد قضاوت در دادگاههای شرعی است.

از سوی دیگر مردمی که گاه مذهبی نیز هستند و در چنین جوامعی زندگی میکنند تحت تاثیر عمل کرد این حکومتها قرار دارند. همچنین آنان به دلیل تبلیغات وسیعی که انجام گرفته شناخت و زشتی حکم اعدام را در نمی یابند و یا آنرا حق خود می دانند. در همین جوامع هستند بسیاری که با مرگ، قتل و خونریزی مخالفند. آنان بخشش را بهتر از مجازات می دانند. اما باید توجه کرد که آنها قصاص را حق صاحب دم می دانند اما بهتر می دانند که آنها ببخشند تا مجازات کنند. همچنین مردمی که تحصیل کرده هستند. با قوانین شرع مخالفند و آنرا متعلق به عهد بربریت و بادیه نشینی می دانند و حاضر نیستند به احکام آن گردن

بگذارند و دایم به شیوه های متفاوت با آن مخالفت میکنند. اینها همان کسانی هستند که بعنوان مخالفان مجازات غیر انسانی اعدام و قصاص مذهبی باید متحد و یکپارچه بر علیه آنچه غیر انسانی و غیر متمدنانه می دانند عمل کنند و صدای اعتراض خود را بلندتر به گوش دیگران برسانند.

این مخالفت ها اگر به معنای مخالفت با دین و مذهب تلقی شود بدیهی که می تواند کارکرد درستی نداشته باشد. باید حساب دین و مذهب بعنوان امری خصوصاً از دین حکومتی و ستمگر حاکم جدا کرد. باید به آثانی که تحت تبلیغات حکومت این مخالفتها را مخالفت با دین و خدا و ... می نامند با دقت برخورد کرد و اجازه اسطکاک بین توده های مردم را نداد. اینکاری است که رژیم جمهوری اسلامی به شیوه های مزورانه بر علیه مخالفان سیاسی خود بکار گرفته است. یعنی هر مخالفتی با خود را به نام مخالفت با دین و خدا و پیغمبر قلمداد میکند و می تواند عده ای نا آگاه را بر علیه مخالفان خود بسیج کند. باید سعی کرد این ابزار را از دست حکومت خارج کرد و بیش از این اجازه نداد تا از اعتقادات مذهبی سوء استفاده کرده و لشگری مجانی را بر علیه مخالفان خود برانگیزد.

**۶. در آخر باز میگردم به موضوع کمپین ، لطفاً درباره ی خود کمپین توضیح دهید که به چه صورت عمل میکند و به چه روشی اداره می شود؟ سایت ها و سازمانهایی که بخواهند به آن بپیوندند می بایست چه کارهایی را انجام دهند ؟**

ابتدا باید بگویم که کمپین متعلق به همه مخالفان مجازات اعدام است. به هیچ شخص، گروه، دسته و یا سازمان و حزب خاصی تعلق ندارد. کمپین متعلق به همه کسانی است که مجازات اعدام را قتل آگاهانه می دانند. کمپین متعلق به کسانی است که اعدام را قتل دولتی و مجازاتی غیر انسانی می دانند. کمپین متعلق به همه آثانی است که به حرمت و کرامت انسانی احترام می گذارند و اعدام را مجازاتی غیر انسانی و ظالمانه می دانند. بنابراین کمپین متعلق به طرفداران حقوق انسانها و طرفداران احترام به حق حیات و کرامت انسانی همه مخالفان مجازات ظالمانه اعدام است. بر همین اساس هر کسی که با مجازات اعدام مخالف باشد عضو کمپین محسوب می شود. آنها می توانند با وارد شدن به سایت کمپین عضویت خود را با پر کردن پتنشن مخالفت با اعدام اعلام کنند. بعد از اینکار هرکس بعنوان یک عضو کمپین می تواند در هر انجمن، هر جلسه و یا اجتماعی بعنوان یک عضو کمپین شرکت و برای پیشبرد مخالفت خود با مجازات اعدام هر گونه که خود صلاح می دانند عمل کند. تنها مخالفت با مجازات با اعدام است که هویت جمعی ما در کمپین محسوب می شود. به غیر از این هرکس با هر عقیده و مرامی و مسلکی می تواند به مخالفت با این قتل آگاهانه برخیزد و برای او هیچ محدودیتی وجود ندارد. چون کمپین متعلق به خود اوست. با توجه به مراتب فوق هر کسی که در شبکه جهانی اینترنت فعال باشد و سایت یا وبلاگ و صفحه خصوصی داشته باشد می تواند لوگوی کمپین را در صفحه اول خود قرار دهد و آنرا از طریق ایمیل به مسئولین سایت اطلاع دهد تا در لیست حامیان کمپین در سایت اسم شان درج شود. شخصیت های سیاسی و اجتماعی، فرهنگی و حقوقی و .. می توانند با نوشتن بیانیه حمایتی و یا نامه و یا هرگونه که خود صلاح می دانند از کمپین دفاع کنند و کمپین را در راهی که پیش گرفته یاری دهند. آنان کمپین را مال خود بدانند. بدون حضور فعال شخصیت های سرشناس کمپین چیزی کم خواهد داشت. این حق انسانی و حقوق اجتماعی و مدنی همگی ماست که از حمایت شخصیت های سرشناس میهنمان برخوردار شویم. از آنان درخواست داریم تا به کلیات کمپین مراجعه کنند. اگر مورد قبول آنان است، اگر کم و کسری دارد، اگر برای بهتر شدن آن نظر و پیشنهادی دارند، وارد عمل شوند. برای دست یابی به امر مهمی همچون برانداختن مجازات اعدام، روفتن چوبه های دار از چهار راههای وطنمان، اجازه زندگی و حیات دادن به محکومین بیدادگاههایی که کسان را به مرگ محکوم می کنند، ما نیاز داریم تا همه توان و قدرت شهروندان و میهن دوستان و فعالان سیاسی و اجتماعی، حقوق بشری و قضایی و فرهنگی و .... را گرد هم آوریم. کمپین این هدف را دنبال می کند و بارها هم اگر لازم باشد با صدای بلند اعلام می کند که کمپین متعلق به همه آثانی است که در یک جمله مخالفت با مجازات اعدام با هم توافق دارند. حضور فعال و قدرتمند همه ماها می تواند این راه دشوار را به منزلگه خود نزدیک کند. کمپین برای کسانی که می خواهند به آن بپیوندند هیچ محدودیتی قائل نیست. تنها مخالفت با مجازات اعدام کافی است. هر سازمان، حزب و یا تشکیلات فرهنگی اجتماعی، اقتصادی، قضایی، هنری که بخواهد به کمپین بپیوندد. کافی است که این موضوع را از طریق ایمیل به مسئولین سایت اطلاع دهد تا نام آنان در لیست حامیان کمپین آورده شوند. در صورتی که آنان سایت و یا وبلاگی هم داشته باشند با قرار دادن لوگوی کمپین در صفحه خود می توانند این موضوع را اعلام کنند.

هر از چند گاهی از همه آنانی که نامشان در لیست حامیان کمپین قرار دارد و ایمیلشان در نزد مسئولین سایت کمپین هست دعوت می شوند تا در نشست در یک اتاق اینترنتی به رایزنی بپردازند. عملکرد تا کنونی کمپین را مورد بررسی قرار دهند و پیشنهادات برای بهتر شدن و پیشبرد کمپین را با همدیگر بررسی کنند. همه اعضا کمپین در این نشست ها با حق و حقوق مساوی شرکت دارند. تقدم و تاخر پیوستن به کمپین هیچ امتیازی برای هیچ کسی بوجود نخواهد آورد. حق همه مساوی است و رای آنان در تصمیم سازی هم عرض هستند. مسئولین سایت کمپین نیز از بین کسانی که برای پیشبرد کار داوطلب می شوند برگزیده می شوند. داشتن حداقل تخصص برای کار در حل و فصل امور جاری سایت بدیهی است که مورد نیاز است. زمان این مسئولیت نیز بسته به تصمیم جمع می تواند اندازه گیری شود. با همه اینها ممکن است در کلیت کار کم و کاستی هایی وجود داشته باشد. زیرا این آغاز یک راه طولانی است. بدیهی حضور صاحب نظران و کسانی که تخصص ویژه ای در پیشبرد اینگونه امور دارند می تواند کاستی های کمپین را جبران کند و در ادامه راه کمپین در حالیکه به ترمیم خود می پردازد گامهای موثری نیز برای نزدیک شدن به هدف خود که همان برچیدن مجازات اعدام از قوانین جزایی کشورمان است بردارد. با دست به دست هم داد همه ی ما اینکار ممکن است. حق حیات را به چشم های نگرانی که تناب دار در انتظار آنان است باز گردانیم. برای ساختن جامعه ای انسانی تر متحد شویم و صدای مخالفت خود با مجازات غیر انسانی اعدام را هر چه بلندتر طنین انداز کنیم.

---

لینک وب سایت کمپین دو میلیون امضا بر علیه مجازات اعدام

<http://www.k-a-e.com/>